

## شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نواحی روستایی ایران با استفاده از روش تحلیل مضمون

علی افشاری‌پور - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان  
حمید برقی\* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان  
یوسف قنبری - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

### چکیده

دستیابی به توسعه در نواحی روستایی همواره مورد توجه محققان در کشورهای در حال توسعه بوده است. مهم‌ترین رکن توسعه را می‌توان شیوه اداره جوامع برای رسیدن به توسعه دانست و اساسی‌ترین نقش را مدیریت جوامع روستایی دارد و کسی که تصمیم نهایی را برای اجرای سیاست‌ها می‌گیرد مدیر روستاست. تصمیماتی که برای رسیدن به این اهداف گرفته می‌شود سیاست‌ها و فرایندهای که طی آن مراحل مطالعه، برنامه‌ریزی، و تصمیم به اجرا در محیط روستا منجر می‌شود سیاست‌گذاری می‌نامند. مکانی که این تصمیمات در آن اجرا می‌شود شرایط و ویژگی‌های خاصی دارد که نگارندگان در پژوهش حاضر به دنبال شناخت چالش‌های اصلی سیاست‌گذاری و اداره روستاها هستند تا این شناخت به اتخاذ تصمیمات صحیح‌تر برای اداره روستاها منجر شود. در این پژوهش، با روش تحلیل مضمون، چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی ایران شناسایی شد. اطلاعات بر اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و مطالعه منابع و اسناد جمع‌آوری شد. در واقع، علت اصلی اجرای این پژوهش جای خالی توجه به چالش‌های اصلی و هویت مستقل روستاها در مطالعات پیشین بود. یافته‌ها نشان می‌دهد از میان ۱۲۲ کد باز ۱۷ مفهوم پایه‌ای شناسایی شد که در شش دسته مضامین سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی‌اند. نتایج تحلیل‌ها حاکی از این است که باید در سیاست‌گذاری‌ها به فرهنگ جامعه روستایی، هویت مستقل اجتماعی، اقتصادی، و محیطی هر روستا و سیر تاریخی مدیریت در روستاهای ایران توجه کرد و لزوم دستیابی به اهداف سیاست‌ها و مدیریت مطلوب روستاها کمک‌گرفتن از خود مردم روستا و مشارکت دادن آن‌ها در همه فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌هاست.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، چالش‌ها، سیاست‌گذاری، نواحی روستایی ایران.

## مقدمه

برای توسعه نواحی روستایی، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است و همواره بهبود وضعیت این مناطق از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی مورد توجه بوده است. این مطالعات نشان داده که لازمه دست‌یابی به پیشرفت و توسعه ایجاد تحول در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه است (ویسر و سپور، ۲۰۱۱: ۳۰۲). نتایج مطالعات محققان در زمینه توسعه مورد توجه و استفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد و با توجه به اهداف هر حکومتی برای پیشرفت مناطق روستایی، به اتخاذ تصمیماتی در جهت رشد و توسعه روستاها منجر می‌شود. در واقع، این تصمیمات را، که نهادهای تصمیم‌گیر مانند مجلس، دولت، و وزارت‌خانه و نهادهای استانی می‌گیرند (سیاست‌گذاران)، می‌توان سیاست حکومت‌ها نامید و فرایندی را که طی مراحل مطالعه، برنامه‌ریزی، و تصمیم به اجرا در محیط روستا منجر می‌شود سیاست‌گذاری نامید. بر اساس نظر بسیاری از محققان، سیاست‌گذاری فرایندی اجتماعی شامل ارتباط بین بسیاری از افراد در سازمان‌های مختلف است و این تعامل‌ها توسط سایر تصمیم‌گیرندگان و شرایطی محدود می‌شود که منعکس‌کننده ویژگی‌های گسترده‌تر اجتماعی است که محیط را شکل می‌دهد (استیونسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۳۲). پس باید به روستا، به‌عنوان یک محیط مشخص، با ویژگی‌های مختلف آن در سیاست‌گذاری نگاه کرد. برای اجرایی کردن تصمیمات در روستا، اساسی‌ترین نقش را مدیریت جوامع روستایی دارد. کسی که تصمیم نهایی را برای اجرا و شیوه اجرای سیاست‌ها می‌گیرد مدیر روستاست. شناختن ساختار مدیریتی جوامع روستایی یکی از محورهای اساسی تحلیل مسائل روستاست و نقش و جایگاه مدیریت در همه عرصه‌های زندگی اقتصادی-اجتماعی بشر مشخص شده است و تلاش‌های موفق مدیریت پایدار متکی به حمایت ذی‌نفعان و استفاده از دانش آن‌هاست (لنگ و همکاران، ۲۰۱۵: ۶۸۳). بنابراین، برای سیاست‌گذاری و مدیریت مؤثر، باید ویژگی‌های مختلف این ذی‌نفعان را شناخت تا حمایت و مشارکت آن‌ها را برای اجرای سیاست‌ها جلب کرد. در سال‌های اخیر، مباحث مربوط به حکمروایی به مفهوم «توسعه یکپارچه روستایی»<sup>۱</sup> (IRD) توجه داشته است. این الگو بر هماهنگی اقدامات و تصمیمات مختلف دولت در سطوح ملی و محلی در زمینه‌های مختلف تأکید می‌کند (چاکسمیت، ۲۰۱۰: ۱). می‌توان گفت یکی دیگر از عواملی که به اثربخشی سیاست‌گذاری کمک می‌کند هماهنگی و توجه به جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی در روستاست. اگرچه بسیاری از مؤسسات و سازمان‌های ملی و بین‌المللی مدعی کمک به فقیران روستایی برای توسعه‌اند، پیشرفت کمی از برنامه‌های بلندپروازانه به سوی اقدامات واقعاً مؤثر صورت گرفته است (کورتن، ۱۹۸۰: ۴۸۰). این مطلب بدین معناست که هنوز هم جوامع روستایی، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، با مشکلات بسیاری مواجه‌اند و تصمیمات و سیاست‌هایی که در قالب برنامه‌های توسعه تاکنون اجرا شده نتایج مورد انتظار را در پی نداشته است. با توجه به تفاوت در محیط‌های مختلف روستایی از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و محیطی، زمینه و بستری که این تصمیمات برای آن‌ها گرفته می‌شود متفاوت است. برای اثربخشی بیشتر تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت و اداره بهتر جوامع روستایی ایران، در این پژوهش، نگارندگان به دنبال شناخت محیط، بسترها، و چالش‌های روستایی برای اتخاذ تصمیمات بهتر هستند.

## مبانی نظری و ادبیات پژوهش

اگر انسان را موجودی خلاق، فعال، و اثرگذار و تأثیرپذیر در نظر بگیریم، انسان‌ها در جامعه روستایی همواره در حال ساخت معنا و خلق هستند و به زندگی اجتماعی و محیط خود معنا می‌دهند (دنیزین، ۲۰۱۱؛ الیوت، ۲۰۰۵؛ پاتن، ۲۰۰۲؛

محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۲۸؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۲). درواقع، با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان‌ها و نیز سیال بودن واقعیت اجتماعی، مسیر و روش خاصی برای درک واقعیات یا تغییر آن‌ها وجود ندارد (بلیکی، ۲۰۱۶: ۱۲۱-۱۲۹؛ نیومن، ۲۰۰۷).

از آنجا که انسان‌های ساکن در نواحی روستایی نیز ماهیت خلاق و اجتماعی پویا دارند، در پژوهش‌هایی که در این محیط صورت می‌گیرد باید به این ویژگی توجه شود و برای حل مشکلات روستاها از اجرای یک روش و نسخه‌ای واحد پرهیز شود. می‌توان گفت اداره جوامع روستایی در مسیر صحیح برای پیشرفت و رسیدن به توسعه پایدار نیازمند شناخت و درک صحیح شرایط محیطی و اجتماعی روستاها و سیاست‌گذاری متناسب با این ویژگی‌هاست. از سویی، وظیفه هماهنگی و اجرای سیاست‌ها و تصمیمات بر عهده مدیر روستاست. بنابراین، باید روستاها را مکان‌هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت نسبت به شهرها در نظر گرفت که نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی، و بوم‌شناختی حاکم بر روستا هستند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱). از این رو، محققان بر آنند که «مدیریت روستایی باید سبب کاهش چشم‌گیر مهاجرت روستایی، از بین بردن شکاف اقتصادی- اجتماعی بین شهر- روستا، توسعه کشاورزی، و گسترش فرهنگ خودباوری در مناطق روستایی و کاهش فقر روستایی» (ونچانگ، ۲۰۰۸: ۴) شود. می‌توان گفت برای دستیابی به توسعه پایدار در زمینه‌های امنیت غذایی، تنوع زیستی، حفاظت منابع طبیعی و محیط، وجود مدیریتی همخوان با ساختار جامعه روستایی ضروری است (تیکای و کاما، ۲۰۱۰: ۶۵-۶۶). تصمیم‌هایی که برای دستیابی به این اهداف گرفته می‌شود سیاست‌گذاری می‌نامند. برای درک بهتر این مفهوم، نیاز به تعریف سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاری<sup>۱</sup> را طبق فرهنگ لغت می‌توان این گونه تعریف کرد: «تصمیم‌گیری درباره رفتارهای جدیدی است که به‌خصوص توسط یک دولت یا یک حزب سیاسی اتخاذ یا به عبارت دیگر به افراد مؤثر اطلاق می‌شود» (دیکشنری کمبریج<sup>۲</sup>). از این جهت، محققان با مبانی نظری انتقادی به بررسی برنامه‌های اجرایی روستاها پرداخته‌اند، مانند مکلاگین که با رویکرد انتقادی به بررسی سیاست‌های روستایی در دهه ۱۹۸۰ پرداخت و عامه‌پسند بودن سیاست‌های روستایی را در قدرت آن‌ها برای نقاب‌زدن و پوشاندن فقر در نواحی روستایی ذکر کرد. او به این نتیجه رسید که سیاست‌ها و برنامه‌های کنونی نیز ادامه همان رویکرد به روستاها بوده و به پیامدهای این تصمیمات و گسترش محرومیت در نواحی روستایی اشاره می‌کند (مکلاگین، ۱۹۸۶: ۸۱-۹۰). همچنین، ون برکل و وربورگ، که به حساسیت برنامه‌های توسعه روستایی برای اروپا اشاره می‌کنند و توزیع مکانی پتانسیل‌های توسعه در نواحی روستایی اروپا از جنبه‌های کشاورزی، گردشگری، و فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی (کارگری، مشاغل دولتی و ...) را با استفاده از نظر کارشناسان و استادان دانشگاه بررسی کرده‌اند، هدف آن‌ها از این ارزیابی کمک به سیاست‌گذاران بود تا برای مناطق مستعدتر و متناسب با قابلیت ویژه هر منطقه تصمیمات مناسبی برای توسعه روستاها بگیرند و درواقع به سیاست‌گذاری‌ها جهت دادند (ون برکل و وربورگ، ۲۰۱۱: ۴۴۷-۴۵۹). به نظر لپینگ، شاید بتوان منشأ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای روستاها را در تفکر آرمان‌شهری یافت. درواقع، همه این تصمیم‌گیری‌ها برای راحتی و آسودگی و داشتن جامعه‌ای ایده‌آل است. وی بر آن است که برنامه‌ریزی و سیاست‌های روستایی می‌تواند مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات مانند مسکن، فقر، ارائه خدمات درمانی، حمل و نقل، جنسیت، و کاربری اراضی را دربر گیرد و این اصطلاح آن قدر گسترده است که معنی خود را از دست می‌دهد. بد نیست بدانیم مفاهیم برنامه‌ریزی و تغییر برنامه‌ریزی شده بیانگر خوش‌بینی، اعتقاد به قدرت علم تجربی، و تمایل مردم و کشورها برای پیشرفت است (لپینگ، ۲۰۰۶: ۱۰۴-۱۲۲). همچنین، در سال‌های اخیر

1. Policy-making

2. Cambridge dictionary

گروه دیگری از محققان به نقش عوامل اقتصادی تأکید کرده و بر آن‌اند که اعتماد به نفس یک جامعه در مدیریت خود مستقیماً تحت تأثیر چالش‌های اقتصادی است (لوول و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۰۷). همچنین، برای مطالعات جامعه‌شناسی، زیست‌محیطی، و شناخت چالش‌های زیست‌محیطی نیز این روش مرسوم است و از تحلیل مضمون و نقل‌قول‌های متخصصان برای شناخت چالش‌ها و تأثیرگذاری عوامل استفاده می‌شود (باهر و دانلپ، ۲۰۱۸: ۱۸۱).

اگر سیاست‌گذاری را هر آنچه حکومت تصمیم به انجام یا عدم انجام آن می‌گیرد (دای و دای، ۱۹۹۲: ۱) تعریف کنیم، این تصمیمات در بستری گرفته می‌شود و با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود که هم از آن تأثیر می‌پذیرد هم در تصمیمات اثرگذار است. نگارندگان در این پژوهش به دنبال شناخت بسترها و چالش‌هایی که این تصمیم‌ها در آن و برای آن گرفته می‌شود هستند تا اثربخشی این تصمیمات و چگونگی اجرای آن‌ها در روستاها بهتر و بیشتر باشد. به عبارتی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بهتر، کارآمدتر، و دقیق‌تر برای مدیریت در نواحی روستایی به شناخت دقیق این بسترها و چالش‌های پیش رو نیاز دارد.

### روش پژوهش

برای رسیدن به این هدف، پژوهش حاضر با روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> انجام گرفته است. تحلیل مضمون در واقع روشی برای شناخت، تحلیل، و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش همچنین، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی، پردازش‌شده، و تفصیلی تبدیل می‌کند (برون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۷-۱۰۱). برون و کلارک در سال ۲۰۱۹ چگونگی دست‌یافتن به این روش و توسعه آن در علوم مختلف به‌خصوص در علوم پزشکی را در مقاله‌ای توضیح دادند و آن را تکامل بخشیدند (برون و کلارک، ۲۰۱۹: ۵۸۹-۵۹۷). از روش تحقیق کیفی و تحلیل مضمون برای اجرای مطالعات جغرافیایی در سال‌های اخیر استفاده قابل توجهی شده است و در زمینه‌هایی مانند جغرافیای زمانی و مکانی و نقشه‌برداری موضوعی و کارآفرینی فرهنگی این روش به کار گرفته شده است (رابرتسون و هارکس، ۲۰۱۷؛ برگر و والکمن، ۲۰۲۰). در کشوری مانند آلمان دیدگاه‌ها در مطالعات روستایی از توجه بر زیرساخت‌ها و عقب‌ماندگی نواحی روستایی به سمت توجه به هویت‌های محلی خاص هر روستا به مرور زمان تغییر یافته است (تویتجر و اشتاینفایر، ۲۰۱۹). در مطالعات روستایی به‌طور مشخص درباره فرهنگ و هویت جامعه روستایی اقتصاد کشاورزی و آینده روستاها نیز از این روش استفاده شده است و محققان به نتایج قابل قبولی در سطح جامعه علمی دست یافته‌اند (ادوارد و متاریات-کسکانت، ۲۰۱۱: ۴۴۷؛ فنال و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۲؛ اچاریا و رحمان، ۲۰۱۶: ۲۸۹) و اجرای مطالعات با روش‌های کیفی برای شناخت چالش‌ها و این هویت‌های مستقل محلی جای‌گزین روش‌های مرسوم قبلی شده است.

### واحد تحلیل، واحد مشاهده‌ای، و شیوه نمونه‌گیری

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های هدفمند عمیق نیمه‌ساخت یافته با پانزده تن از استادان دانشگاهی دارای تخصص در زمینه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه‌های تهران و اصفهان به‌دست آمده است. با توجه به اشباع نظری<sup>۲</sup> با تحلیل عمیق و کفایت کدهای به‌دست‌آمده و همچنین پیدانشدن مفاهیم جدید در مصاحبه‌های بعدی، دوازده مصاحبه با استفاده از کدگذاران مستقل تحلیل شد. در واقع، ابزار اصلی پژوهش مصاحبه است. با کدگذاری این مصاحبه‌ها، به تحلیل

1. Thematic Analysis

2. Theoretical saturation

هر یک پرداخته شد و با نمونه‌گیری هدفمند و معرفی متخصص بعدی توسط هر مصاحبه‌شونده به سراغ نمونه بعدی رفته و این فرایند مبنای انتخاب متخصص بعدی بوده و همچنین با رسیدن به اهداف موردنظر مصاحبه‌ها اتمام یافته است. واحد تحلیل پژوهش بسترها و چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی و واحد مشاهده‌ای مصاحبه‌های انجام‌گرفته با متخصصان جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی است. شیوه نمونه‌گیری را هدف یک تحقیق مشخص می‌کند و اگر هدف تعمیم یافته‌های پژوهش به جامعه‌ای بزرگ‌تر باشد، که نمونه از آن انتخاب شده است، از روش‌های کمی و اگر هدف فهم یک پدیده در میان جامعه‌ای باشد، از روش‌های کیفی استفاده می‌شود و از آنجا که نگارندگان در این پژوهش به دنبال درک ویژگی‌های بستری و چالش‌های اصلی محیط داخل روستاها برای سیاست‌گذاری هستند، با روش کیفی و با نمونه‌گیری هدفمند از میان متخصصان دانشگاهی نمونه‌گیری انجام شد.

جدول ۱. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

| مرد | زن | دانشیار | استاد تمام | زمینه‌های تخصص  |
|-----|----|---------|------------|---|
| ۱۱  | ۱  | ۵       | ۷          | جغرافیای انسانی، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توسعه روستایی، مدیریت روستایی، کیفیت زندگی در نواحی روستایی، جغرافیای جنسیت، سرمایه اجتماعی در روستا، جغرافیای اقتصادی، روابط بین شهر و روستا و ... |

### روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد و همه مصاحبه‌ها به صورت خط به خط تحلیل شد. می‌توان گفت براون و کلارک فرایند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی- توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، و ادغام و یک‌پارچه کردن دوباره متن- می‌دانند. بنابراین، تحلیل اطلاعات این پژوهش طی سه مرحله: (۱) کدگذاری باز (شناسایی مباحث، ویژگی‌ها، و زمینه‌ها)؛ (۲) کدهای محوری (دسته‌بندی مضامین)؛ (۳) کدهای انتخابی یا مضامین فراگیر انجام گرفت. از آنجا که تعداد مصاحبه‌ها محدود بود و به صورت عمیق انجام شد، کدگذاری‌ها برای افزایش دقت کار دستی انجام گرفت و مضامین، هم در سطح مضامین پنهان هم مضامین آشکار، البته با تأکید بیشتر بر مضامین آشکار، دسته‌بندی و استخراج شد.

درواقع، کدگذاری باز جست‌وجو در میان اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها و به صورت خط به خط یا پاراگراف به پاراگراف، کدگذاری آن‌ها، و بازگذاشتن آن‌ها برای مشاهده نتایج است و در مرحله کدگذاری محوری بر اساس مباحث اصلی پژوهش در دسته موضوعات بزرگ‌تر گروه‌بندی شده‌اند. همچنین، در مرحله انتخاب مضامین، مقایسه درونی کدها و مصاحبه‌ها با یکدیگر نیز به صورت تحلیل مقایسه‌ای انجام شد و مضامینی که تعداد کدهای بیشتر و تکرار بیشتری داشتند در مقایسه با دیگر مضامین مشخص شدند و به این صورت مقایسه مضامین بین مصاحبه‌شوندگان نیز انجام گرفت. در نهایت، با کدگذاری انتخابی این موضوعات به یکدیگر وصل و روابط بین آن‌ها ارزیابی شده است.

### ارزیابی کیفیت و اعتبار

برای ارزیابی کیفیت و اعتبار یافته‌های تحلیل مضمون راه‌های مختلفی مانند استفاده از کدگذاران مستقل، دریافت بازخورد از مصاحبه‌شوندگان، و به‌کارگیری تطابق و همخوانی با ادبیات تحقیق و مطالعات معتبر در زمینه پژوهش وجود دارد (کینگ و همکاران، ۲۰۱۸). در این پژوهش، با روش استفاده از کدگذاران مستقل، تحلیل‌ها اعتبارسنجی شد و ساختار مضامین پیشنهادی و کدگذاری‌ها توسط چند نفر از افراد متخصص در مطالعات علوم اجتماعی و جغرافیای

روستایی با کدگذاری مجدد نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها انجام شد. همچنین، این کدها با کدگذاری محققان مقایسه و در نهایت برخی از آن‌ها بازنگری شد.

## بحث و یافته‌ها

داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل و با هدف شناخت چالش‌های اصلی سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی مضامین اصلی شناسایی شد. در مجموع، بر مبنای تحلیل مضمونی داده‌ها، ۱۷ مفهوم پایه‌ای شناسایی شد که اساس مدل پژوهش را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم در شش دسته شامل روستائیت، تاریخمندی، محیط به‌مثابه عامل مؤثر و فرم حاصل از سیاست‌ها، نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری و مدیریت نواحی روستایی، تأثیر و اهداف اقتصادی سیاست‌ها و جایگاه مشارکت در سیاست‌گذاری، و مدیریت جوامع روستایی به‌عنوان مضامین سازمان‌دهنده موضوع پژوهش تقسیم‌بندی شدند:

**مضمون روستائیت با مفاهیم:** هویت محیطی روستا، هویت اجتماعی روستا، هویت اقتصادی روستا.

**مضمون تاریخمندی با مفاهیم:** اهمیت سیر تاریخی اداره روستاها، نظام سرمایه‌داری بهره‌وری، اصلاحات ارضی، موج جهانی نوسازی، تأثیر انقلاب اسلامی.

**مضمون محیط به‌مثابه عامل مؤثر و فرم حاصل از سیاست‌ها با مفاهیم:** محیط به‌مثابه عامل اثرگذار و بستر سیاست‌گذاری‌ها، محیط به‌مثابه فرم شکل‌گرفته و نتیجه سیاست‌گذاری‌ها.

**مضمون نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری و مدیریت نواحی روستایی با مفاهیم:** بستر فرهنگی روستاهای ایران، اثرهای فرهنگ بر سیاست‌گذاری‌ها.

**مضمون تأثیر و اهداف اقتصادی سیاست‌ها با مفاهیم:** تأمین نیازهای اساسی، تفکر اقتصادی و کشاورزی.

**مضمون جایگاه مشارکت در سیاست‌گذاری و مدیریت جوامع روستایی با مفاهیم:** اهمیت و ضرورت مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها، پیامدهای مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها.

در مرحله اول با کدگذاری باز مصاحبه‌های انجام‌شده ۱۲۲ کد باز به‌دست آمد که به‌علت تعداد زیاد آن‌ها ترجیح داده شد فقط مفاهیم پایه‌ای و مضامین سازمان‌دهنده در پژوهش نشان داده شود و نمونه‌ای از نقل‌قول‌های متخصصان برای هر مضمون آورده شود. بیشترین سهم کدها را مضامین سازمان‌دهنده تاریخمندی و جایگاه مشارکت در سیاست‌گذاری و مدیریت جوامع روستایی هر کدام با ۲۴ کد داشته‌اند که نشان‌دهنده تأکید بیشتر متخصصان بر این مضامین است. برای مستندسازی مفاهیم و مضامین کشف‌شده از نقل‌قول‌های متخصصان جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی استفاده شد و مصاحبه‌ها و طراحی سؤالات باز با توجه به ادبیات نظری موجود و مطالعات زمینه مدیریت روستایی، حکمروایی خوب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، و همچنین تجربه پژوهشگران و مطالعات قبلی انجام گرفته است.

جدول ۲. مفاهیم پایه‌ای، مضامین سازمان‌دهنده، و مضمون فراگیر پژوهش

| مضمون فراگیر | مضامین سازمان‌دهنده                                 | مفاهیم پایه‌ای   | تعداد کدهای باز |
|--------------|---|--|-----------------|
| بستر فرهنگی  | روستائیت  | هویت محیطی، هویت اجتماعی روستا، هویت اقتصادی روستا   | ۱۶              |
|              | تاریخ‌مندی  | اهمیت سیر تاریخی اداره روستاها، نظام سرمایه‌داری بهره‌وری، اصلاحات ارضی، موج جهانی نوسازی، تأثیر انقلاب اسلامی | ۲۴              |
|              | محیط به‌مثابه عامل مؤثر و فرم حاصل از سیاست‌ها      | محیط به‌مثابه عامل اثرگذار و بستر سیاست‌گذاری‌ها، محیط به‌مثابه فرم شکل‌گرفته و نتیجه سیاست‌گذاری‌ها           | ۲۲              |
|              | نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری و مدیریت نواحی روستایی     | بستر فرهنگی روستاهای ایران، اثرهای فرهنگ بر سیاست‌گذاری‌ها   | ۱۳              |
|              | تأثیر و اهداف اقتصادی سیاست‌ها                      | تأمین نیازهای اساسی، تفکر اقتصادی و کشاورزی  | ۲۳              |
|              | جایگاه مشارکت در سیاست‌گذاری و مدیریت جوامع روستایی | اهمیت و ضرورت مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها، پیامدهای مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها              | ۲۴              |

منبع مطالعات نگارندگان

## روستائیت

یکی از مقولات بنیادی یا سازمان‌دهنده در زمینه شناخت چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی از نظر متخصصان درک هویت روستاها از جنبه‌های محیطی و اجتماعی و اقتصادی است. از نظر آن‌ها، منظور از روستائیت هویت و شکل مشخص نواحی روستایی با منابع آب و خاک، کارکردهای اقتصادی، ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی است که از روستاها انتظار می‌رود و آن‌ها را از مناطق شهری جدا می‌کند (هارینگتون و ایدونگ، ۱۹۹۸: ۱۷۸-۲۰۳؛ گنارو و همکاران، ۲۰۰۲: ۴۲۱-۴۴۴؛ لی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۲-۲۶؛ بالستیری، ۲۰۱۶: ۱۱۷-۱۳۳).

به‌طور مشخص، در این پژوهش مضمون سازمان‌دهنده روستائیت برآمده از مضامین پایه‌ای هویت محیطی، هویت اجتماعی، و هویت اقتصادی روستاست. مصاحبه‌شوندگان بر وجود سهم قابل توجهی از جمعیت در مناطق روستایی ایران و اهمیت آن از جنبه‌های تولیدی و اقتصادی و امنیت غذایی و همچنین اهمیت آن به‌عنوان حافظ و بهره‌بردار از منابع طبیعی کشور به‌خصوص منابع آب و خاک تأکید کرده‌اند که همه منابع طبیعی و اجتماعی و اقتصادی روستاها با عنوان هویت روستا در نظر گرفته شده، زیرا متخصصان در تعریف روستا و اهمیت آن از این هویت‌های مستقل استفاده کرده‌اند که مهم‌ترین آن هویت محیطی با تأکید بر منابع باارزش آب و خاک بوده. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره اهمیت شناخت هویت مستقل اجتماعی اقتصادی هر روستا می‌گوید:

«روستا فضای جغرافیایی است که انسان روستایی در آن با هویت خاص اجتماعی-اقتصادی بهره‌برداری می‌کند و زمین و آب مهم‌ترین منابع برای جوامع انسانی هستند که در روستاها قرار دارند. بخش کشاورزی با تأمین غذای جوامع انسانی بسیار مهم است که در کشور ما کشاورزی و تأمین غذای جوامع در روستاها بیشتر صورت می‌گیرد.»

همچنین، مصاحبه‌شونده دیگری بر لزوم توجه به روستا آن‌گونه که هست و توجه به قابلیت‌های آن از جهت زیربنابودن سگونتگاه‌های انسانی تأکید دارد:

«روستا زیربنای سکونتگاه‌های انسانی در طول تاریخ بشری بوده و هنوز هم تا حدودی این توانایی و قابلیت خود را حفظ کرده و به‌نظر می‌رسد اگر به روستا به صورت صحیح و درست توجه شود، یعنی روستا را آن‌جور که خودش هست و

منافع خود روستا را ببینیم نه اینکه روستا را برای خودمان بخواهیم، می‌توانیم از روستا هم به نفع روستایی هم به نفع دیگر سکونتگاه‌های بشری بهره ببریم.»

### تاریخ‌مندی

شناخت سیر تاریخی اداره روستاها و روندی که سیاست‌ها و تصمیمات برای مدیریت روستاهای کشور در طول تاریخ گرفته شده برای مدیریت بهتر روستاها در جهت توسعه و پیشرفت جزو مقولات بااهمیت است:

«در کشور ما، از قدیم، جوامع روستایی به صورت ارباب‌رعیتی اداره می‌شد و خان همه‌کاره روستا بود و کدخدا و مباشر هم در خدمت خان بود. بعد از اصلاحات ارضی، این سیستم تغییر کرد و زمین‌ها بین مردم روستا و کشاورزان تقسیم شد که آن ساختار بزرگ مالکی و سرمایه‌داری بهره‌وری فروریخت و خرده‌مالکی خصوصی در روستاها به وجود آمد و کم‌کم دولت وارد روستاها شد و با هزینه کردن از درآمد نفتی آن مدیریت کدخدایی روستا را به مدیریت دولتی تغییر داد.»

برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره تأثیر اصلاحات ارضی بر جوامع روستایی ایران این‌گونه بیان می‌کند:

«بعد از سال ۱۳۴۱ (اصلاحات ارضی) این مدیریت سنتی ارباب‌رعیتی تقریباً شکست و از بین رفت. لذا تقریباً روستا بدون متولی و مدیریت شد و سپاهیان دانش و ترویج- که جوانان بی‌تجربه‌ای بودند- نتوانستند روستا را مدیریت کنند. چون عمدتاً این‌ها خودشان شهری بودند. بعد از انقلاب شوراهای اسلامی را به وجود آوردند که ایراد آن بیشتر سیاسی بود تا کاری. نتیجه آن بیشتر حرکت‌های سیاسی شد تا اینکه اقتصاد و تولید روستا مدنظر قرار گیرد.»

### محیط به‌منابۀ عامل مؤثر و فرم حاصل از سیاست‌ها

درباره اهمیت بستر محیطی بر سیاست‌گذاری و مدیریت روستاها تأکید شده و توجه به محیط هم به‌عنوان عامل اثرگذار و بستر سیاست‌گذاری‌ها و همچنین فرم شکل گرفته و نتیجه اجرای سیاست‌ها از نظر متخصصان بسیار لازم و ضروری است. در این مورد مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید:

«توی روستا محیط اساس روستا هست، چون همه این‌ها (اقتصاد و فرهنگ و ...) وابسته به محیط هستند. وابسته به آن شرایط محیطی هستند. چون اساساً تشکیل آن روستا وابسته به محیط بوده. چون محیط هست که اقتصاد و فرهنگ و ... را تشکیل می‌دهد. اگر بخواهیم مفهوم معیشت را بگوییم، آن معیشت وابسته به شرایط محیطی هست بیش از همه چیز.»

همچنین، مصاحبه‌شونده دیگری محیط را بستر همه سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌داند:

«شاید بشود گفت مهم‌ترین عامل که جغرافیایی هم هست محیط باشد و اقتصاد و اجتماع و بعد سازمان‌ها. ولی خُب این محیط هست که همه عوامل دیگر در بستر آن رخ می‌دهد و همه عوامل دیگر به شرایط محیط بستگی دارد.»

### نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری و مدیریت نواحی روستایی

چهارمین مضمون سازمان‌دهنده به‌دست‌آمده در پژوهش نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری و مدیریت نواحی روستایی است که هم بر بستر فرهنگی روستاهای ایران (آداب، رسوم، مذهب، و ...) و لزوم شناخت آن تأکید دارد هم بر تأثیر این فرهنگ در سیاست‌ها و تصمیماتی که برای روستا گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، لازمه موفقیت سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت بهتر روستا شناخت این فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی هر محیط روستایی است.



در این زمینه مصاحبه‌شونده‌ای بیان می‌کند:

«وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مردم بسیار مهم است؛ حتی الگوهایی را که از این سو و آن سو می‌گیریم باید در راستای نیازهای مردم محلی و زمینه‌های فرهنگی ایران انتخاب کنیم و بر اساس آن کار را پیش ببریم.»

### تأثیر و اهداف اقتصادی سیاست‌ها

یکی دیگر از مهم‌ترین مقولات سازمان‌دهنده اثر اقتصاد و اهداف اقتصادی سیاست‌هاست. مفاهیم پایه‌ای این مقوله به سه دسته تقسیم شده که لزوم توجه به تأمین نیازهای اساسی و تفکر اقتصادی تصمیمات و شیوه مدیریت جامعه و همچنین توجه به کشاورزی به‌عنوان اصلی‌ترین جنبه اقتصاد نواحی روستایی برای زنده و پویا نگه‌داشتن روستا را مورد تأکید قرار می‌دهد و کشاورزی را اساس اقتصاد روستا می‌داند.

در همین زمینه مصاحبه‌شونده‌ای درباره اهمیت کشاورزی تأکید می‌کند:

«اقتصاد روستا وابسته هست به کشاورزی. من همچنان معتقدم که اصل اقتصاد روستایی اگر بخواید ادامه داشته باشد، بر کشاورزی هست.»

همچنین، مصاحبه‌شونده دیگری درباره لزوم تأمین نیازهای اساسی ساکنان در روستا بیان می‌کند:

«اگر نیاز ساکنان روستا تأمین شود، روستائیان کمتر مهاجرت می‌کنند. یک سری از این نیازها فردی هستند یک سری اجتماعی. اگر در محل برای آن روستایی درآمد و رفاه و امنیت در نظر بگیریم، او می‌رود به جایی که درآمد و امنیت داشته باشد.»

### جایگاه مشارکت در سیاست‌گذاری و مدیریت جوامع روستایی

آخرین مقوله اصلی بستر و چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی که در این پژوهش شناسایی شد جایگاه مشارکت در سیاست‌گذاری و مدیریت جوامع روستایی بود که جزو مهم‌ترین مضامین سازمان‌دهنده است.

به‌طور کلی، در این زمینه می‌توان به دو بخش اهمیت و ضرورت مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها و همچنین پیامدهای مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها اشاره کرد.

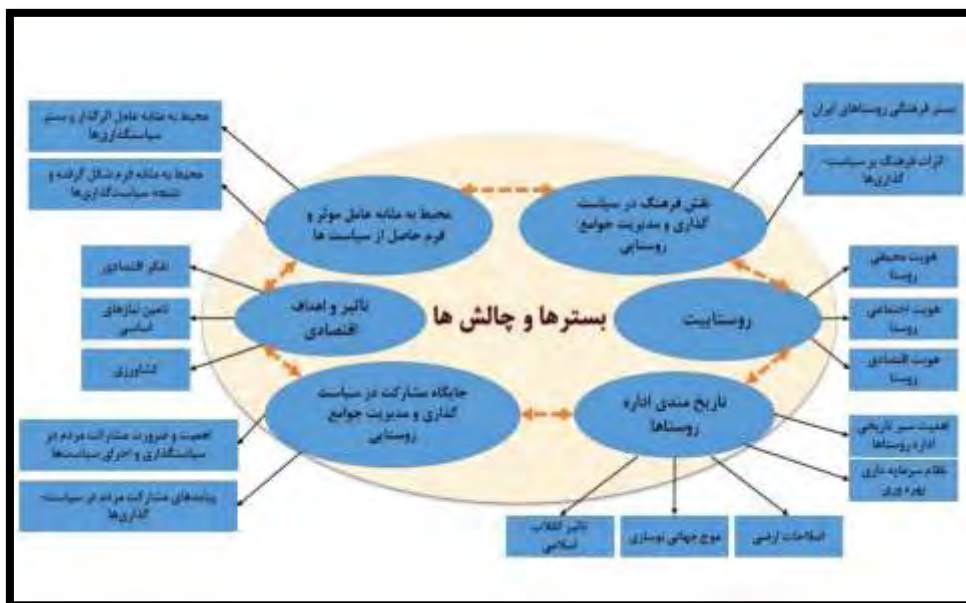
یکی از متخصصان درباره ضرورت کار مشارکتی و استفاده از شورا برای مدیریت روستا اعتقاد دارد که:

«در زمینه مسائل اسلامی هم بحث و زمینه‌های بسیار زیادی از نظر کار مشارکتی و سپردن کار مردم به مردم، استفاده از شورا و مشورت وجود دارد هم از گذشته‌های دور ایران کشوری بوده که ۹۰ درصد مردم در روستا ساکن بوده‌اند و الگوهایی داشته‌اند که امروز هم می‌تواند از نظر مدیریتی و مشارکتی کارساز باشد.»

یا مصاحبه‌شونده دیگری درباره اثر مشارکت در دستیابی به اهداف مدیریت و برنامه‌ها بیان می‌کند:

«مدیریت خرد و محلی ما شورایی است، ولی سیاست‌گذاری کلان همچنان متمرکز است و همچنان ما نگاه مشارکتی را در سطح محلی<sup>۱</sup> طرح کردیم، ولی در سطح برنامه‌ها نگاه از بالا به پایین است و سیاست‌گذاری اصلی را دولت انجام می‌دهد.»

در نهایت، با شناسایی و کشف مضامین سازمان‌دهنده و پایه‌ای و دریافتن روابط بین موضوعات اصلی، نمودار تشریح ویژگی‌ها و عوامل مؤثر جهت شناسایی بسترها و چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی ایران را به شکل زیر می‌توان ترسیم کرد:



شکل ۱. شبکه مضامین بسترها و چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی ایران

شبکه مضامین بسترها و چالش‌های سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی را می‌توان به شکل بالا ترسیم کرد و روابط بین مضامین سازمان‌دهنده با یکدیگر، که همه با هم دایره‌وار در ارتباطند و همچنین روابط بین مفاهیم پایه با هر مضمون سازمان‌دهنده که در واقع تشکیل‌دهنده آن هستند، مشخص شده است. از این مدل می‌توان دریافت که برای اثربخشی سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت بهتر روستاها لازم است بستری که این تصمیمات برای آن گرفته می‌شود و چالش‌های اساسی که این تصمیمات با آن روبه‌رو خواهند بود از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. در واقع، می‌توان بیان کرد سیاستی موفق است که فرهنگ جامعه روستایی ایران را بشناسد و سیاست‌های منطبق با فرهنگ روستایی و با مشارکت مردم باشد.

در سیاست‌گذاری‌ها باید به هویت محیطی، اجتماعی، و اقتصادی مستقل هر روستا جداگانه توجه داشت و از گرفتن تصمیمات یکسان برای همه روستاها پرهیز کرد. همچنین، برای درک بهتر شیوه موجود اداره روستاها باید از سیر تاریخی مدیریت روستایی در ایران اطلاع داشت و تأثیرات مثبت و منفی سیاست‌ها و تصمیماتی که در طول تاریخ برای مدیریت جوامع روستایی گرفته و طرح و برنامه‌هایی را که برای توسعه این نواحی انجام شده بستر سیاست‌گذاری‌ها شناخت. جنبه‌های اقتصادی و تأمین نیازهای اولیه روستاییان و توجه به بخش کشاورزی برای امنیت غذایی کشور و ماندگاری جمعیت در روستا و جلوگیری از مهاجرت به شهر و توسعه پایدار روستایی از دیگر بسترها و چالش‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری

از مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات دیگری که در این زمینه انجام گرفته و به برخی از آن‌ها در ادبیات نظری تحقیق اشاره شد چنین برمی‌آید که تشابهاتی در نتایج وجود دارد؛ از جمله مارسدن (۱۹۹۸: ۱۰۸) که اشاره می‌کند «فرایند بازساخت داخل مناطق روستایی همراه تغییرات صنعت کشاورزی و قدرت مالکان زمین (در طول زمان) اهمیت قابل توجهی در شکل‌گیری مقررات و حکمرانی روستاها دارد.» همچنین، با توجه به مطالعات لیتل (۲۰۰۱: ۹۹) که اشاره می‌کند «مطالعاتی که درباره حکمروایی روستایی بحث کرده‌اند گرایش به تمرکز بر سیاست‌های ناحیه‌ای خاصی دارند تا

بر بسترها و چالش‌ها و شالوده‌های محیط و روابط اقتصادی»، می‌توان گفت که او نیز بر اهمیت شناخت بسترها و چالش‌ها و روابط اقتصادی حاکم در روستا برای اثربخشی سیاست‌ها تأکید دارد. یا مثلاً افتخاری و همکاران (۱۳۹۱: ۱-۲۸) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که «نظام ساختاری کنونی روستا برآمده از عدم وجود تعادل یا همزیستی بین کنشگران (دولت، بازار، و جامعه مدنی) با تأکید بر رهیافت مکانیکی به جای رهیافت انسان‌گرا و نیز برنامه‌ریزی کارشناسانه به جای برنامه‌ریزی مشارکتی است» که لزوم توجه به مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و مدیریت روستایی را نشان می‌دهد. حسینی ابری (۱۳۸۰: ۵۱-۶۴) در پژوهشی به لزوم توجه به مدیریت سنتی روستایی و شیوه‌های سنتی مدیریت منابع طبیعی و انسانی، که بر اساس قرن‌ها تجربه متناسب با فرهنگ و با مشارکت مردم به دست آمده و سنت‌های روستایی نامیده می‌شود، تأکید می‌کند. این نتایج مشترک می‌تواند علمی و منطقی بودن پژوهش حاضر را نشان دهد. این پژوهش همچنین به نتایجی دست یافت که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، و مدیریت نواحی روستایی کاربرد داشته باشد از جمله شناخت ویژگی‌های بستر روستا برای سیاست‌گذاری و درک رابطه هر یک از آن‌ها با تصمیم‌گیری، توجه به محیط به‌عنوان عامل مؤثر در سیاست‌گذاری، و همچنین فرم حاصل از تصمیمات و سیاست‌ها، لزوم اطلاع از سیر تاریخی مدیریت و اداره نواحی روستایی و تجربیات موفق و ناموفق گذشته، هویت مستقل اجتماعی، اقتصادی، و محیطی قائل شدن برای روستاها، توجه به نقش فرهنگ جامعه روستایی در موفقیت سیاست‌گذاری و مدیریت بهتر روستاهای ایران و لزوم انطباق تصمیمات با فرهنگ مردم و در نهایت و مهم‌تر از همه لزوم مشارکت مردم هم در مرحله تصمیم‌گیری و تدوین برنامه و اسناد هم در مرحله اجرای سیاست‌ها که می‌تواند اثربخشی سیاست‌گذاری‌ها را بیشتر کند و به مدیریت بهتر نواحی روستایی کشور در جهت توسعه پایدار منجر شود.

در نهایت می‌توان گفت از نظر متخصصان وضعیت کنونی سیاست‌گذاری برای مدیریت نواحی روستایی ایران بدون توجه و در نظر گرفتن و شناخت این بسترها و چالش‌های اساسی است. لزوم اثربخشی تصمیمات و سیاست‌ها آگاهی از شرایط زمینه‌ای و بستری است که برای آن تصمیم گرفته می‌شود.

در مجموع، اگر خواهان توسعه روستاها و مدیریت مطلوب جوامع روستایی هستیم، باید در سیاست‌گذاری‌ها به فرهنگ جامعه روستایی توجه کرد، هویت مستقل اجتماعی، اقتصادی، و محیطی هر روستا را در نظر داشت، و محیط را عامل اثرگذار و بستر سیاست‌ها و فرم حاصل از سیاست‌گذاری‌ها دانست.

در برنامه‌ها و سیاست‌ها باید تفکر اقتصادی حاکم باشد تا نیازهای اساسی مردم روستا (خوراک، بهداشت، مسکن، پوشاک و ...) تأمین و از خالی شدن روستاها از جمعیت جلوگیری شود. همچنین، اصلی‌ترین منبع درآمد روستایی که فعالیت کشاورزی است با استفاده مناسب از منابع آب و خاک امنیت غذایی و رونق اقتصادی همه کشور را تأمین می‌کند باید به‌طور ویژه در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار گیرد. بر اساس نتایج پژوهش، لزوم دستیابی به اهداف سیاست‌ها و مدیریت مطلوب روستاها کمک‌گرفتن از خود مردم روستا و مشارکت دادن آن‌ها در همه فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌هایی است که برای آن‌ها گرفته می‌شود تا با جلب اعتماد مردم روستا بتوان بهترین نتایج را گرفت و پیامد آن توسعه پایدار و پیشرفت نواحی روستایی کشور باشد.

## سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از اعضای هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه‌های تهران و اصفهان، که با در اختیار گذاشتن وقت و آرای خود در مصاحبه‌ها ما را در اجرای این پژوهش یاری کردند، سپاسگزاری کنند.

## منابع

۱. حسینی ابری، سیدحسن، ۱۳۸۰، کدخدا؟، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۰، صص ۵۱-۶۴.
۲. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید، ۱۳۸۶، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصل‌نامه روستا و توسعه، س ۱۰، ش ۲، صص ۱-۳۰.
۳. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ عظیمی آملی، جلال؛ پورطاهری، مهدی و احمدی‌پور، زهرا، ۱۳۹۱، ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، س ۸، ش ۲۶، صص ۱-۲۸.
۴. محمدپور، احمد و ایمان، محمدتقی، ۱۳۸۷، بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۷، ش ۲۷، صص ۱۹۱-۲۱۳.
۵. محمدی، نریمان؛ علیزاده، توحید و حاتمی طاهر، فردوس، ۱۳۹۵، عودلاجان، روایت مرگ یک محله: مطالعه پیامدهای معنایی تغییرات فضایی، در محله عودلاجان تهران، مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، س ۵، ش ۴، شماره پیاپی ۱۵، صص ۹۹-۱۲۱.
6. Hossaini Abari, S.H., 2002, Kadkhoda. (persian), Geographical Researches Quarterly Journal, 60, 51-64.
7. Rokneddin Eftekhari, A.; Sojasi Ghidari, H. and Einali, J., 2007, New Attitude towards Rural Management with an Emphasis on Effective Institutions. (persian), Village and Development, 10(2), 1-30.
8. Roknaldin Eftekhari, A.; Azimi Amoli, J.; Pourtaheri, M. and Ahmadypour, Z., 2012, Presentation of an Appropriate Rural Good Governance Model in Iran Case study: Rural Areas of Mazandaran Province in Iran. (Persian), Geopolitics Quarterly, 8(26), 1-28.
9. Mohamadpor, A. and Iman, M.T., 2008, The Meaning Reconstruction of Economic Changes' Consequences in Ouraman - e - Takht Region of Iranian Kurdistan: A Grounded Theory Approach. (persian), Social Welfare Quarterly, 7(27).
10. Mohammadi, N.; Alizadeh, T. and Hatami Taher, F. (2017). Oudlajan: Narrates the Death of a Neighborhood The Study of Semantic Implications of Spatial Changes in Oudlajan Neighborhood of Tehran. (persian), Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan, 5(4), 99-121.
11. Acharya, A. and Rahman, Z., 2016, Place branding research: a thematic review and future research agenda. International Review on Public and Nonprofit Marketing, 13(3), 289-317.
12. Balestrieri, M., 2016, Exploring the concept of rurality among university students in Sardinia, Italy, Rural society, 25(2), 117-133.
13. Blaikie, N., 2016, Was Cicourel's critique in Methods and Measurement in Sociology too radical?, International Journal of Social Research Methodology, 19(1), 121-129.
14. Bohr, J. and Dunlap, R. E., 2018, Key Topics in environmental sociology, 1990-2014: results from a computational text analysis, Environmental Sociology, 4(2), 181-195.
15. Braun, V. and Clarke, V., 2006, Using thematic analysis in psychology, Qualitative Research in Psychology, 3(2), 77-101.
16. Braun, V. and Clarke, V., 2019, Reflecting on reflexive thematic analysis. Qualitative Research in Sport, Exercise and Health, 11(4), 589-597.
17. Bürger, T. and Volkmann, C., 2020, Mapping and thematic analysis of cultural entrepreneurship research, International Journal of Entrepreneurship and Small Business, 40(2), 192-229.
18. Denzin, N. K. and Lincoln, Y. S. (Eds.), 2011, The Sage handbook of qualitative research, Sage.
19. Dye, T. R. and Dye, T. R., 1992, Understanding public policy. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
20. Edwards, M. B. and Matarrita-Cascante, D., 2011, Rurality in leisure research: A review of four major journals. Journal of Leisure Research, 43(4), 447-474.
21. Elliott, J., 2005, Using narrative in social research: Qualitative and quantitative approaches, Sage Publications.
22. Fennell, K. M.; Jarrett, C. E.; Kettler, L. J.; Dollman, J. and Turnbull, D. A., 2016, Watching the bank balance build up then blow away and the rain clouds do the same: A thematic analysis of South Australian farmers' sources of stress during drought, Journal of rural studies, 46, 102-110.
23. Gennaro, B. D.; Fantini, A. and Rodrigues, C. D. O., 2002, Ecotourism, rural development and local community in developing countries: the case of the village of Conceição do Ibitipoca in Brazil. Rivista di Economia Agraria, 57(2/3), 421-444.

24. Goodwin, M., 1998, The governance of rural areas: some emerging research issues and agendas, *Journal of rural studies*, 14(1), 5-12.
25. Harrington, V. and O'Donoghue, D., 1998, Rurality in England and Wales 1991: a replication and extension of the 1981 rurality index, *Sociologia Ruralis*, 38(2), 178-203.
26. King, N.; Horrocks, C. and Brooks, J., 2018, *Interviews in qualitative research*, SAGE Publications Limited.
27. Korten, D. C., 1980, Community organization and rural development: A learning process approach. *Public administration review*, PP. 480-511.
28. Lange, A.; Siebert, R. and Barkmann, T., 2015, Sustainability in land management: an analysis of stakeholder perceptions in rural northern Germany, *Sustainability*, 7(1), 683-704.
29. Lapping, M. B., 2006, Rural policy and planning, *Handbook of rural studies*, PP. 104-122.
30. Li, Y.; Long, H. and Liu, Y., 2015, Spatio-temporal pattern of China's rural development: A rurality index perspective, *Journal of Rural Studies*, 38, 12-26.
31. Little, J., 2001, New rural governance? *Progress in Human Geography*, 25(1), 97-102.
32. Marsden, T., 1998, New rural territories: regulating the differentiated rural spaces, *Journal of Rural Studies*, 14, 107-17.
33. McLaughlin, B., 1986, Rural policy in the 1980s: the revival of the rural idyll, *Journal of rural studies*, 2(2), 81-90.
34. Murdoch, J. and Abram, S., 1998, Defining the limits of community governance, *Journal of rural studies*, 14(1), 41-50.
35. Neuman, L., 2007, *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*, Second Edition, Allyn & Bacon.
36. Patton, M. Q., 2002, *Qualitative research & evaluation methods*, Thousand Oaks Sage Publications, New York, New Delhi, London.
37. Robertson, C. and Horrocks, K., 2017, Spatial Context from Open and Online Processing (SCOOP): geographic, temporal, and thematic analysis of online information sources. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 6(7), 193.
38. Shucksmith, M., 2010, Disintegrated rural development? Neo-endogenous rural development, planning and place-shaping in diffused power contexts, *Sociologia ruralis*, 50(1), 1-14.
39. Stevenson, N.; Airey, D. and Miller, G., 2008, Tourism policy making: The policymakers' perspectives. *Annals of Tourism Research*, 35(3), 732-750.
40. Tikai, P. and Kama, A., 2010, A study of indigenous knowledge and its role to sustainable agriculture in Samoa, *Ozean Journal of Social Sciences*, 3(1), 65-79.
41. Tuitjer, G. and Steinführer, A., 2019, The scientific construction of the village. Framing and practicing rural research in a trend study in Germany, 1952–2015. (In press). *Journal of Rural Studies*.
42. Van Berkel, D. B. and Verburg, P. H., 2011, Sensitising rural policy: Assessing spatial variation in rural development options for Europe, *Land Use Policy*, 28(3), 447-459.
43. Wenchang, W. (2008). Rural Management–The Way Out for Tibetan Rural Areas. *Business and Public Administration Studies*, 3(3), 75.
44. WWW. Dictionary. cambridge.org .(Definition of “policy-making” from the Cambridge Advanced Learner's Dictionary & Thesaurus © Cambridge University Press).